

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری اسماعیلیان

غرب آسیا و دریای مدیترانه حکومت کردند و حتی چند سالی در بغداد خطبه به نام خلیفه فاطمی خوانده شد. اسماعیلیان نزاری هم با اینکه طرفداران نزارمدتی در خود مصر باقی ماندند اما با هدایت حسن صباح مرکز مذهب نزاری به ایران و قلعه الموت واقع در قزوین انتقال یافت. این قلعه محل زندگی حسن صباح و



رفتند. اسماعیلیان پس از درخششی که در عصر امپراتوری فاطمی و دوره حسن صباح داشتند به تدریج رو به افول رفتند و سپس به صورت پراکنده در بخش‌های مختلف جهان اسلام از جمله در یمن و شبه‌قاره هند تا به امروز به حیات خود ادامه داده‌اند.

به رغم نقش و اهمیتی که جریان اسماعیلیه در جهان اسلام داشته است به دلیل مدل خاصی که اسماعیلیان در تبلیغ و ترویج مکتب اسماعیلیه داشتند و به علت افکار و آثاری که دستگاه خلافت عباسی علیه اسماعیلیان در جهان اسلام می‌پراکند، تاریخ و اندیشه اسماعیلیان تا به امروز در هاله‌ای از ابهام باقی مانده و تحقیق درباره تاریخ‌نگاری اسماعیلیان به دلیل از میان رفتن حجم قابل توجهی از آثار آنان، در میان پژوهشگران این حوزه از اقبال کمتری برخوردار بوده است.

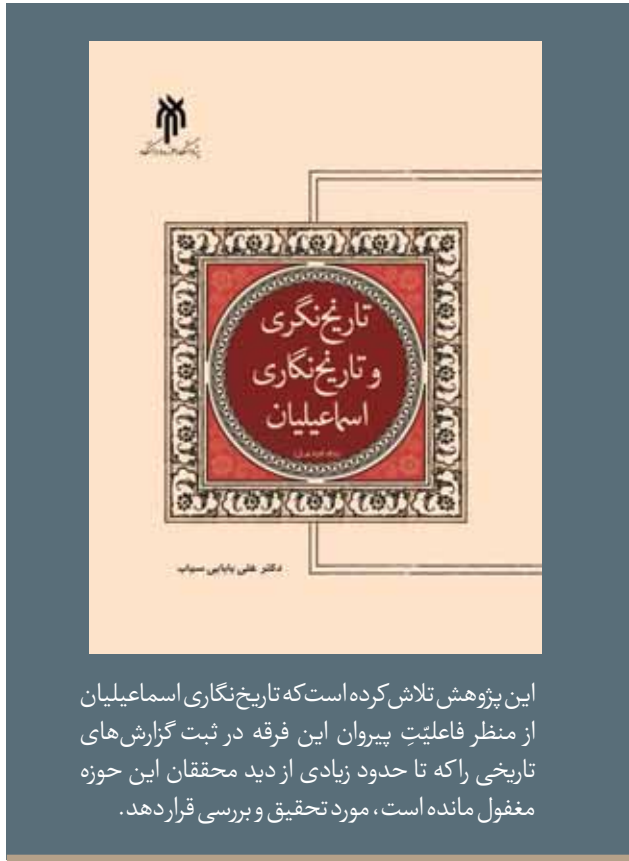
با بررسی معدود آثار باقی مانده از مورخان اسماعیلی مذهب و بازسازی تصویری کلی از آثار مفقود شده آنان براساس منابع دیگر، پژوهش در تاریخ‌نگاری این فرقه تا حدودی امکان‌پذیر می‌شود. با این وجود در چند دهه گذشته آثار علمی قابل توجهی درباره اسماعیلیه منتشر شده که مبتنی بر برخی منابع جدید و مدل بازسازی کلی بوده است. یکی از آثاری که در کنار این اتفاق و به عنوان مکملی بر آن به تازگی منتشر شده کتاب «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری اسماعیلیان (۱۴۸-۶۵۴ق)» است که حاصل تلاش علمی «علی بابایی سیاب» دانش‌آموخته دکترا تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس بوده و در مرداد سال جاری روانه بازار نشر شده است. این پژوهش تلاش کرده است تاریخ‌نگاری اسماعیلیان از منظر فعالیت‌بیروان این فرقه در ثبت گزارش‌های تاریخی را که تا حدود زیادی از دید محققان این حوزه مغفول مانده است، مورد تحقیق و

جان‌شینانش بود. بعد از مدتی نزاریان در شام نیز پایگاه‌هایی به دست آورده و به قدرت مهمی در این منطقه تبدیل شدند. عمده فعالیت نزاریان در دوران سلجوقیان بود و بین این حکومت با نزاریان که در مناطق مختلف ایران سر به شورش برداشته و قلعه‌های نظامی را به تصرف خود در می‌آوردند جنگ و نزاعی دائم برقرار بود. با وجود مبارزه سرسختانه سلجوقیان با نزاریان، آنان قدرت پراکنده خود را حفظ کردند و بعدها با یورش مغول به ایران و به دست هلاکو خان از میان

محمد روی آوردند. از این دو گروه به تدریج در میان فرق شیعی جریانی شکل گرفت که ذیل عنوان اسماعیلیه شناخته می‌شدند. اسماعیلیان خود به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شدند که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن، امپراتوری فاطمیان در شمال آفریقا را شکل دادند که چندی بعد از درون آن اسماعیلیان نزاری انشعاب پیدا کردند که به رهبری حسن صباح موفق به برپایی دولت خود در الموت شدند. فاطمیان به مدت تقریبی دو قرن بر بخش بزرگی از شمال آفریقا و

اکثر شیعیان بر اساس سنت رایج معتقد بودند که بعد از امام جعفر صادق (ع) فرزند ارشد ایشان یعنی اسماعیل امام خواهد شد اما اسماعیل در زمان امام صادق (ع) از دنیا رفت. مرگ اسماعیل به رغم همه تمهیداتی که امام صادق (ع) برای جلوگیری از تفرقه میان شیعیان و شکل‌گیری افکار نادرست به کار بست، باعث به وجود آمدن نظرات گوناگونی در تعیین امام بعدی شد. در حالی که جمعیت اصلی شیعیان با هدایت امام صادق (ع) به امامت موسی بن جعفر (ع) قائل شدند و شیعیان امامیه را تشکیل دادند برخی از این رو که اعتقاد داشتند این سنت نباید تغییر کند گفتند اسماعیل هنوز زنده است و روزی به عنوان قائم (عج) ظهور خواهد کرد. برخی هم از این بابت که معتقد بودند امامت به استثنای حسن و حسین (ع) از طریق برادری منتقل نمی‌شود، به انتقال امامت از اسماعیل به فرزندش

مطابق یافته‌های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که تاریخ‌نگری اسماعیلیان علی‌رغم داشتن ویژگی‌های مشترک با تاریخ‌نگری اسلامی به طور خاص و تاریخ‌نگری سنتی - دینی به طور عام، از مؤلفه‌هایی چون نقش محوری امام در تاریخ، نظام خطی - دوری تاریخ، و پیوستگی میان تاریخ و فراتاریخ برخوردار است. این مؤلفه‌ها در معدود آثار تاریخ‌نگارانه باقی مانده از مورخان این فرقه نیز انعکاس یافته است



این پژوهش تلاش کرده است که تاریخ نگاری اسماعیلیان از منظر فاعلیت پیروان این فرقه در ثبت گزارش های تاریخی را که تا حدود زیادی از دید محققان این حوزه مغفول مانده است، مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

کتاب «تاریخ نگر و تاریخ نگاری اسماعیلیان (۱۴۸-۶۵۴ق)» تألیف علی بابایی سیاب به همت انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در ۳۱۴ صفحه به بهای ۳۱۰۰۰۰ ریال منتشر شده است.

که به جنبه های تاریخ نگارانه آن شکل داده است.» جهان شناسی اسماعیلیان و مبانی فلسفه نظری تاریخ، دیدگاه اسماعیلیان: نگاه مشیت انگارانه و نقش محوری امام در تاریخ، دیدگاه اسماعیلیان: سیردوری، خطی تاریخ، دیدگاه اسماعیلیان: تاریخ به عنوان دانشی در خدمت مکتب، موضوع و هدف در تاریخ نگاری اسماعیلی، اسماعیلیان پیشا فاطمی و مبانی نظری تاریخ، حاکمیت سیاسی و تاریخ نگاری فاطمیان، استتار امام و تاریخ نگاری نزاری، رویکرد و روش در تاریخ نگاری اسماعیلی، عنصر زمان و انواع تاریخ نگاری اسماعیلی از مهم ترین فصول و بخش های این اثر است.

اسماعیلی تنها حوادث مرتبط با امام و تشکیلات دینی- سیاسی پیرامون او معنادار بوده و قابلیت ثبت در تاریخ را داشت. این در حالی است که در چارچوب تاریخ نگاری سنتی، نخبگان اعم از سیاسی و دینی به عنوان نایبان اراده خدا در زمین بودند و تاریخ عبارت بود از ثبت زندگی، اعمال، رفتار و کردار این گروه ها. الگوی دوری- خطی و تکامل گرایانه از حرکت تاریخی در مقابل نگاه خطی مبتنی بر نظریه انحطاط در تاریخ نگاری سنتی و نیز رابطه ناگسستگی تاریخ با فراتاریخ، در مقابل تحدید معنای تاریخ به بُعد جسمانی آن در سایر مکاتب تاریخ نگاری سنتی، از دیگر مؤلفه های تاریخی نگاری اسماعیلی است

مطابق یافته های پژوهش حاضر به نظرمی رسد که تاریخ نگاری اسماعیلیان علی رغم داشتن ویژگی های مشترک با تاریخ نگاری اسلامی به طور خاص و تاریخ نگاری سنتی- دینی به طور عام، از مؤلفه هایی چون نقش محوری امام در تاریخ، نظام خطی- دوری تاریخ، و بیوستگی میان تاریخ و فراتاریخ برخوردار است. این مؤلفه ها در محدود آثار تاریخ نگارانه باقی مانده از مورخان این فرقه نیز انعکاس یافته است. معرفت شناسی اسماعیلیان و جایگاه تاریخ در طبقه بندی علوم از منظر حکمای اسماعیلی، از دیگر مسائلی است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. رسائل اخوان الصفا تنها اثر منسوب به اسماعیلیه است که در آن بحث طبقه بندی علوم مطرح شده است. در این رسائل و نیز از نقطه نظر قاضی نعمان مورخ بزرگ اسماعیلی- فاطمی، تاریخ بعنوان دانشی ذیل علوم شرعی وضعی و در خدمت مکتب اسماعیلی قرار دارد. جالب این جا است که جایگاه تاریخ به منزله علم، نخستین بار در رسائل اخوان الصفا با صراحت بیان شده است. در رساله هفتم این مجموعه، «علم السیر و الاخبار» از انواع نه گانه علوم عملی به شمار آمده است. در بخشی از این اثر چنین آمده است: «اسماعیلیان نخستین، به دلیل تأثیر پذیری از فلسفه نوافلاطونی و امتزاج آن با مبانی اسلامی- شیعی خود به درکی نواز خدا، هستی و مفهوم زمان دست یافتند. آنان بر اساس جهان شناسی خاص خود و با تکیه بر اصل اساسی امامت در نظام عقیدتی اسماعیلی، دیدگاهی مشیت انگارانه به تاریخ داشتند که برخلاف دیگر مکاتب تاریخ نگاری سنتی، نایبان اراده خدا را به سلسله هایی هفتگانه از ناطقان و امامان محدود می نمود که وظیفه هدایت بشر در تاریخ را بر عهده داشتند. بر همین اساس، برای مورخ بررسی قرار دهد. بابایی سیاب مدعی است در این پژوهش نشان داده است که تاریخ نگاری فاطمیان به عنوان بخش اصلی جریان اسماعیلیه در گفتمان مسلط تاریخ نگاری اسلامی از چه شاخصه هایی برخوردار بوده است. به زعم مولف تاریخ نگاری فاطمیان علی رغم ظهور در گفتمان مسلط تاریخ نگاری اسلامی و اثر پذیری از آن، با ویژگی هایی چون تلاقی آشکار کلام با تاریخ و قرار گرفتن امام- خلیفه اسماعیلی در محور رویدادها، که حاکی از تلاش در جهت نوعی تاریخ نگاری مقدس است، تا حدودی از سنت تاریخ نگاری اسلامی متمایز شده و از آن فاصله گرفته است. از سوی دیگر تاریخ نگاری، وصف مکتوب احوال و اعمال انسان ها از طریق ثبت حوادث و تحولاتی است که در اندیشه و حیات آدمی رخ می دهند. این ثبت تاریخی، بسته به هر دستگانه نظری و نگرش تاریخی حاکم بر هر مکتب تاریخ نگاری، به گونه های مختلفی انجام می پذیرد؛ از این رو، موضوع اصلی تاریخ، انسان و جنبه های مختلف حیات فردی و اجتماعی اوست. رابطه میان نگرش تاریخی در یک مکتب تاریخ نگارانه با نگرش تاریخی مورخان آن مکتب، از موضوعات بسیار اساسی در این حوزه است که بررسی آن در بافت تاریخ نگاری اسماعیلیان قرون نخست هجری (۱۴۸ تا ۶۵۴ قمری) موضوع اصلی در این اثر است. در این اثر تلاش شده است با بررسی جهان شناسی ارائه شده در الهیات فلسفی اسماعیلیان، ضمن تحقیق در دیدگاه متفکران اسماعیلی مذهب نسبت به تاریخ بشر، به سؤالات مطرح شده در حوزه فلسفه نظری تاریخ از نقطه نظر این متفکران پاسخ داده شود و مهمترین مؤلفه های فلسفه تاریخ اسماعیلیان بر اساس نظام های متفاوت آن با تاریخ نگاری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.